

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۰۳ سپتمبر ۲۰۱۶

توطئه ای که می باید افشاء شود

با ابراز احترام عمیق به گرامی یاد، پوهاند داکتر "فاروق اعتمادی" استاد ما که به دور از تعارف و بزرگنمایی های مبتذل رایج، یکی از ورزیده ترین و دانشمندترین استادان پوهنتون کابل در رشته اش یعنی تاریخ بود، این تذکر مختصر را با حکم داهیانه وی آغاز می نمایم:

"خلاف تمام جهان، با کمال تأسف قضایا در افغانستان تاریخی نمی گردد، یعنی به محض آن که یک واقعیت تاریخی مطرح می گردد، وطنداران ما به عوض آن که، مسأله را به مثابه بخشی از تاریخ کشور تلقی نموده، کاملاً بیطرفانه در مورد قضاوت نمایند، عواطف و احساسات خانوادگی، قومی، ملیتی، مذهبی و زبانی خود را در آن دخیل نموده، آن را دوستی و یا دشمنی به این و یا آن دانسته، زنده ها را در خدمت مرده ها قربانی می نمایند" - نقل به مفهوم -
به پیروی از همین طرز دید استاد مسلم تاریخ "پوهنخی ادبیات و علوم بشری" پوهنتون کابل در دهه ۴۰ و ۵۰ هجری شمسی، این مختصر را تقدیم خوانندگان عزیز پورتال می نمایم، باشد در قضاوت های شان برخورد تاریخی پیشه نمایند.

وقتی حین بررسی یک پدیده ما از برخورد تاریخی صحبت می نمائیم، می باید چند نکته را در نظر داشته باشیم:
- نسبت به هر پدیده ای که مورد نظر ما است می باید آن را در بستر زمان، یعنی از ابتداء تا انتهایش، مورد مطالعه قرار دهیم.

- پدیده مورد نظر را به مثابه تافته جدا بافته در نظر نگرفته، آن را در پیوند با پدیده های ماحولش، در قید زمان و مکان مورد بررسی قرار داده، تأثیرات عوامل بیرونی و داخلی را در شکلهی، تکامل، انحراف و نابودی آن پدیده از نظر دور نداریم.

- در مطالعه، اصل فلسفی تقسیم یگانه به دوگانه را از نظر دور نداشته، نه از کسی "قدیس" بسازیم و نه هم "شیطان".
چون در اساس چنین طرز دیدی، هیچ ربطی به دید ماتریالیستی دیالکتیکی نداشته، به مثابه دید مطلق گرایانه، تبلوری از بازتاب ایدئالیزم در ذهن می باشد.

- به عمق بار معنایی این ضرب المثل "هر سخن جائی و هر نکته مکانی دارد" پی برده، زمان بحث در مورد را تابع این حکم داهیانه صدر "مانو" که می گوید "حق داشتن، سود جستن و اندازه نگهداشتن" نمائیم، بدان معنا که در صدور حکم می باید به پیوند دیالکتیکی سه جزء تذکار یافته اهمیت قایل شده، کارما را در پرتو آن پیش ببریم. با در نظرداشتن نکاتی که در فوق مطرح گردید، بر می گردیم به غایلهٔ اسفباری که حین تدفین اجساد "امیر حبیب الله کلکانی" و یارانش که از طرف "نادر شاه" و "ظاهر شاه" و حامیان آنها به "بچهٔ سقو" شهرت داده شده است، اتفاق افتاد.

در اینجا، این قلم آگاهانه و عامدانه هیچ بحثی به ارتباط خوبی و یا بدی "امیر حبیب الله کلکانی" و حتا آنهايي که می خواهند از وی "قدیس" و یا "شیطان" بسازند، نمی کنم. زیرا گذشته از حکم پوهاند داکتر "اعتمادی" که قضیه هنوز تاریخی نشده و با در نظرداشتن این که "تکان های بزرگ اجتماعی زمان مناسبی برای طرح مسایل مناقشه انگیز تاریخی، سیاسی، ایدئولوژیک و ... نیست"، توجه شما خوانندگان عزیز را به نقش رسانه های ساخت امپریالیزم معطوف می دارم، باشد خود از این نمونه، نتایج لازم بگیرد.

طبق معمول و جهت اطلاع از آن چه در افغانستان می گذرد، روزانه بخشی از اوقات فراغتم را به خواندن، شنیدن و دیدن مطالب رسانه های داخل کشور اختصاص داده ام. این که چنین کاری تا چه اندازه درست و قابل قبول و تا چه حدی نادرست و قابل انتقاد است، آن را می گذاریم به بعد، چون موضوع بحث کنونی ما نیست. به همین اساس وقتی اخبار ساعت ۶ تلویزیون طلوع و در تعقیب آن برنامهٔ فرا خبر را شنیدم، و بعد تر به مثابهٔ کورس آموزش زبان پشتو، به برنامهٔ ساعت ۷ همان رسانه نیز گوش دادم، نکته ای توجهم را جلب نمود که با تأسف تا آن زمان، متوجه آن نشده بودم. نکتهٔ مورد نظر، مشاهدهٔ برخورد دوگانهٔ نطقان "خبر ۶" و "فرا خبر" با نطق ساعت بعدی آن بود.

یعنی در حالی که در "خبر ۶" و "فرا خبر" نطق و شرکت کنندگان میز گرد، با چنان لحنی "امیر حبیب الله کلکانی" و "امیر شهید" می گفتند که به هزاران کیلو احترام به نامبرده، از آن برداشت می شد. در خبر ساعت بعدی حتا برای یک بار، از وی به حیث "امیر ... و یا "شهید" یاد ننموده، با لحن تحقیر آمیز معمول که در مطبوعات خاندان شاهی متداول بود وی را مسما نمودند.

خوانندگان عزیز!

فکر نکنید که در اینجا، مسألهٔ آزادی دو نطق در تهیهٔ یک خبر مطرح است، که اگر چنین هم می بود شنونده ها و بینندگان حق داشتند، ضمن پذیرش حق قضاوت آزاد برای دو نطق، خواستار این گردند که سرانجام دید رسمی تلویزیون طلوع در زمینه چیست، بلکه مسألهٔ اساسی آن بود، که "خبر ۶" برای مخاطبان دری زبان تهیه شده بود و خبر ساعت هفت برای مخاطبان پشتو زبان.

خوب دقت کنید، در اینجا اختلاف بین تلویزیونهای طلوع، خورشید، آریانا، لمر و نگاه نیست، که گویا تعلقات قومی و ملیتی ناخود آگاه آنها را به چنین مناقشه ای کشانیده باشد، در اینجا دو گویندهٔ یک تلویزیون که هر دو از یک آخور، ارتزاق می کنند، و تنها تفاوت آنها در زبانهای است که با آن صحبت می کنند، می باشد.

خوانندگان عزیز!

از مشاهدهٔ چنین وضعیتی، من یکی، به این نتیجه رسیدم که کس و یا کسانی می خواهند، بین ملیتهای برادر افغانستان، استخوان شکنی، دشمنی و خونریزی ایجاد کنند. به همین اساس آنی که به زبان دری صحبت می کند، می خواهد با احترام به "امیر حبیب الله کلکانی"، تاجکان را تحریک نموده، جوانان احساساتی و نا آگاه را به کاسه های داغتر از آش

تبدیل نماید و آن دیگری که برنامه اش را به زبان پشتو پخش می نماید، سخت در تلاش است تا با تحقیر نامبرده، ضمن تحریک طرفدارانش، پشتو زبانان را علیه چنین حرکتی بشوراند.

تا جایی که ما از تلویزیون طلوع شناخت داریم و می دانیم که چگونه به مثابه محراق و محور همکاری امریکا و ایران، یکی در صدد ایجاد خصومت بین اقوام و ملیت های مختلف افغانستان است و آن دیگری می خواهد ذهنیت ملیت خاصی را متناسب با خواستها و اهداف خودش شکل دهد، به خود حق می دهم بنویسم:

این پروسه یعنی به هم اندازی اقوام و ملیت های با هم برادر افغانستان، زیر هر نام و نشانی که باشد، روندیست که از طرف امپریالیزم طرح و توسط عمال آن پیش برده می شود. در چنین حالتی برای هر کسی که خود را افغان و فرزند این خاک می داند، الزام آور است تا علیه چنین توطئه هائی ایستاده، آینده ما را قربانی گذشته، نسازند. همین بس است که گذشتگان وابسته و نادان برای ما میراث شوم گذاشتند، ما حق نداریم هویت و استقلال فردی خود را زیر پای نموده، به دنبال سیاست های سخیف آنها گام برداشته، آینده را اسیر و قربانی گذشته های شوم نمائیم.

به نظر من، برای کسانی که ادعای انقلاب و مبارزه طبقاتی می نمایند هیچ ننگی بالاتر از آن نیست، که دنباله رو امپریالیزم و ارتجاع گردیده، به سازی که آنها کوک نموده اند، برقصند.